رویایی‌هایی که می‌آیند

ساسان گلفر
cinemaglobe.blogfa.com

بازگشت به آینده

■ بازار بازسازی این روزها در سینمای جهان خیلی داغ است و فقط در همین جمعه گذشته دو فیلم اکران گرفته‌اند که هر دو بازسازی آثار دهه هشتادی هستند. البته در اکران این هفته فیلمی اکشن هم وجود دارد که به نوعی بازسازی یک رویداد تاریخی بسیار نزدیک است و همین‌طور مستندی که یک مساله مرموز و جنجال‌برانگیز اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را در چند دهه اخیر دنبال می‌کند.

■■■

۵ روز جنگ

5 Days of War

درامی جنگی از اکشن‌ساز مشهور هالیوود، رنی هارلین فنلاندی سازنده «جان سخت ۲» و «صخره نورد» که ماجرای واقعی جنگی را که درست سه سال پیش میان روسیه و گرجستان درگرفت به شکل خشن و فجیعی بازسازی کرده است. قهرمانان این داستان یک روزنامه‌نگار آمریکایی، فیلمبردار همراه او و مترجمی گرجی هستند که در میدان جنگ به دام می‌افتند. فیلمنامه را میکو آلانه و دیوید بتل نوشته‌اند و وال کیلمر، اندی گارسیا، روپرت فرند، دین کین و هیثر گراهام بازیگران این فیلم هستند که پیش از این با عنوان «۵ روز در ماه آگوست» در گرجستان، استرالیا و چند جشنواره نمایش داده شده است. زمان نمایش فیلم ۱۲۰ دقیقه است.

کنان بربر

Conan the Barbarian

بازسازی اولین فیلم مهم آرنولد شوارتزنگر که در سال ۱۹۸۲ توسط جان میلیوس ساخته شده بود، این بار به کارگردانی کارکوس نیسپل (کارگردان «مسیرباب» و «جمعه سیزدهم») با فیلمنامه تامس دین دانلی و جاشوا اوپنهایمر و البته با بهره جستن از جدیدترین جلوه‌های ویژه جدید CGI و فناوری‌های آینده ساخته شده است. داستان انتقام شخصی یک جنگجوی سیمری (قومی باستانی از نژاد آریایی که گفته می‌شود حدود سال ۷۰۰ پیش از میلاد در جنوب قفقاز زندگی می‌کردند) تبدیل به نبردی حماسی با رقبای عظیم‌الجثه و هیولاهای مهیب می‌شود و کنان درمی‌یابد که تنها امید نجات ملت هیبوریا از چنگ یک حاکم شیطان‌صفت است. جیسن موموآ، ران پرلمن، رز مک‌گوان و ریچل نیکولز از بازیگران این اکشن فانتزی ۱۱۲ دقیقه‌ای هستند که با بودجه ۸۰ میلیون دلار تولید شده است.

شب وحشت

Fright Night

باز هم بازسازی یکی از فیلم‌های دهه ۱۹۸۰؛ این بار فیلم «شب وحشت» که تام هولاند در سال ۱۹۸۵ ساخته بود، توسط مارتی ناکسون بازنویسی شده و کریگ گیلسپی آن را کارگردانی کرده است. در این کمدی ترسناک، چارلی (آنتون یلخین) پسر نوجوانی است که حدس می‌زند همسایه تازه آنها، جری (کالین فارل) خون‌آشام است و سبب مرگ عده‌ای در آن محله شده است. هیچ‌کس حرف چارلی را باور نمی‌کند، مگر پیتر (دیوید تننت) شعبده‌باز که خود را خون‌آشام‌کش می‌داند و قصد دارد با چارلی همراه شود. تونی کولت، کریستوفر مینتزپلاس و دیو فرانکو از دیگر بازیگران این فیلم سه بعدی هستند. فیلم محصول مشترک آمریکا و انگلستان و زمان نمایش آن ۱۰۶ دقیقه است.

برنامه‌ریزی ملت؟

Programming the Nation?

تاثیر ناخودآگاه تبلیغات و روش‌هایی که ادعا می‌شود برای تبلیغ و نفوذ در ناخودآگاه مخاطبان رسانه‌ها به کار گرفته شده، در این مستند ۱۰۵دقیقه‌ای به کارگردانی جف واریک مورد بحث و بررسی قرار گرفته و گفته شده که در زیر ظاهر برنامه‌های تلویزیونی، موسیقی و تبلیغات انتخاباتی روش‌هایی برای القای پیام‌های پنهانی نهفته شده و حتی ارتش آمریکا به استفاده از این روش‌ها برای جنگ روانی متهم شده است. چهره‌هایی مانند نوآم چامسکی، کریستوفر کاپولا، سرهنگ جان آلکساندر، دکتر نیک بگیچ و فیلیپ فاربر به سوالاتی مانند این می‌پردازند که چرا بدهی مصرف‌کنندگان آمریکایی از دهه ۱۹۹۰ تاکنون ۵۰ درصد افزایش یافته و چگونه آن کشور با داشتن چهارونیم درصد از جمعیت جهان، ۲۵درصد از منابع دنیا را مصرف می‌کند؟

عکس: Cinemagia

«شب وحشت» از زبان
کالین فارل و کریگ گیلسپی، بازیگر و کارگردان فیلم

مصاحبه با خون‌آشام

اریک آیزنبرگ/ترجمه: وحیداله موسوی

اکنون، نوبت به شخصیت شرور رسیده است که حرف بزند. من این فرصت را یافتم تا با کالین فارل، ستاره فیلم «شب وحشت» و نیز کریگ گیلسپی کارگردان در اتاق تدوین به مصاحبه بنشینم. فارل در این فیلم نقش خون‌آشام بی‌رحمی با نام جری دندریج را ایفا می‌کند. اینک شما و مصاحبه این دو نفر که درباره رابطه خود با فیلم «شب وحشت» اصلی، بازگرداندن خون‌آشام کلاسیک و بازی موش و گربه بین دو شخصیت فیلم، جری و چارلی صحبت می‌کنند.

■■■

با دیدن راش‌ها آدم متوجه می‌شود که این فیلم تفاوت‌های داستانی بسیاری با فیلم اصلی (به کارگردانی تام هالند ساخته شده در سال ۱۹۸۵) دارد. آیا شما از همان ابتدای این پروژه همین را می‌خواستید؟

کریگ گیلپسی: اینجا با داستان‌هایی متفاوت از منظرهای متفاوت روبه‌رو هستیم. من چندان چیزی درباره فیلم اصلی نمی‌دانستم، در فکر ساختن یک فیلم خون‌آشامی، در پی ساختن چیزی در ژانر وحشت نبودم. قرار بود در یک جلسه عمومی در دریم‌ورکس شرکت کنم و آنها شب قبلش فیلمنامه را برایم فرستادند. و من هم با اکراه آن را برداشتم؛ با اکراه، چون چنان چیزهایی چندان باب میلم نبودند. فیلمنامه را سریع خواندم، شخصیت‌های معرکه‌ای داشت و چیزی که حسابی توجهم را به خودش جلب کرد، این بود که توازن خیلی خوبی بین وحشت و مطایبه در آن وجود داشت. به ندرت می‌توان فیلمی یافت که این دو ژانر را با هم قاطی کرده باشد، من دوست دارم چنان کاری را انجام بدهم. بنابراین نتوانستم آن را از سرم بیرون کنم؛ آن را برداشتم و به جلسه رفتم و در نهایت هم پروژه نصیب من شد. ماه‌ها به فیلم اصلی نگاه نکردم تا اینکه حسابی با آن فیلمنامه کلنجار رفتم و به شیوه اجرای آن دست یافتم. داستان کالین متفاوت است، مگر نه؟

کالین فارل: من عاشق فیلم اصلی بودم و هنوز هم هستم. وقتی شنیدم می‌خواهند آن را بازسازی کنند خیلی ترسیدم. واکنش اولیه من این بود: «چه آدم‌های ابله و بی‌ذوقی باید باشند که می‌خواهند بروند و چیز خدشه‌ناپذیری مثل «شب وحشت» اصلی را بسازند. احتمالا سلاخیش می‌کنند.» بعد من فیلمنامه را خواندم و گفتم: «زکی! من واقعا اینو دوست دارم! حالا چیکار کنم؟ آن هم من که یه بازیگر بیکار و در جست‌وجوی کار هستم. چه کار کنم، من واقعا این را دوست دارم!» برای من مثل یک جور نقطه شروع برای کودک و هنرپیشه بود که یک انسان است و تعهدات و وظیفه‌ای دارد. من چنان احساسی داشتم، مجبور نیستم این دو مقوله را از هم جدا کنم؛ باید آن بچه را هم به کار وامی‌داشتم. چون من کسی بودم که وقتی ۱۲،۱۰سال داشتم، عاشق فیلم اصلی شده بودم. من پیش از اینکه حتی بشنوم قرار است این فیلم را بسازند، آن را حدود ۵۰ بار دیده بودم. کریگ را ملاقات کردم و او یک تصور کاملا شفاف از نحوه بیان داستان داشت و یک خوانش کاملا ساده، یک خوانش واقعا خوب. این بعد از آن بود که دو، سه فیلم کاملا دراماتیک کار کرده بودم، یک فیلم با پیتر ویر، با عنوان Triage که در آن نقش یک عکاس جنگ را داشتم، در آن فیلم ۲۸پوند وزن کم کرده بودم، کار خیلی سختی بود. می‌خواستم مدتی تفریح کنم.

آیا صحنه خاصی در فیلمنامه وجود داشت که پس از خواندن آن تصمیم بگیرید نقشی در این پروژه داشته باشید؟

فارل: سوال خوبیه. آره، صحنه‌ای که من توش نیستم [می‌خندد] فقط می‌خواستم آنجا باشم و از مانیتور آن را تماشا کنم. نه، آن صحنه در پشتی. من دیالوگ چندانی در فیلم ندارم، ۲۲ و نیم جمله است، درسته؟

گیلپسی: ۱۹جمله‌ونیم.

فارل: ۱۹جمله‌ونیم؟ خوب، ۱۶ تا از آنها در همین صحنه در پشتی است، همان وقتی که من از چارلی می‌پرسم- نمی‌دانم آن را دیده‌اید یا خیر- همان جایی که سعی می‌کنم نوشیدنی‌گیر بیاورم.

آره آن صحنه را دیدیم.

فارل: آن صحنه درست این‌جوری بود: «وای، چه لذتی داره. چه لذتی داره این را بازی کنی.» و واقعا هم لذت داشت در آن روز ترکاند. آره آن صحنه. همین مفهوم کلی؛ اینکه یک هنرپیشه باشید، یک هنرپیشه مذکر باشید، نقش‌های معدودی وجود دارد- واسه من- نقش‌های معدودی وجود دارد. به‌نظر می‌رسد که هر هنرپیشه‌ای می‌خواهد نقش یک بوکسور را ایفا کند، من هم دوست دارم روزی نقش یک بوکسور را بازی کنم چون می‌دانم این نقش به زندگیم دیسیپلین می‌دهد.

شاید یک خون‌آشام بوکسور.

فارل: یک خون‌آشام بوکسور! [می‌خندد] معرکه است! [رو به کریگ]، شاید اگر یک زامبی بوکسور داشته باشی بتوانم در فیلم بعدیت هم حضور داشته باشم! اما یکی از همان نقش‌هایی که تیک زدم همین بود، بازی در نقش یک خون‌آشام. واقعا این‌طوری بود. شما معمولا کار را جدی می‌گیرید اما گاهی وقت‌ها مجبورید با جنبه‌های کودکانه‌تر خودتان نیز سروکله بزنید.

احساس نکردید که از بازی کریس ساراندن الهام گرفته‌باشید؟

فارل: نه، منظورم بله است، شما از هر چیزی که می‌بینید یا انجام می‌دهید یا می‌شنوید یا احساس می‌کنید الهام می‌گیرید اما در این فیلمنامه قضیه ۱۸۰درجه متفاوت بود و از جهتی خوب بود؛ چون قرار نبود از نظر ملاحت و تمام چیزهای این‌چنینی با کریس رقابت کنم، چون در غیر این‌صورت یک کابوس لعنتی می‌شد و بس، یک فاجعه و عملی بیهوده. بنابراین زندگی عاطفی این آدم آنجا نبود. یک زندگی عاطفی در نقش جری دندریج با بازی کریس ساراندن وجود داشت؛ گونه‌ای حس حسرت، نوعی احساس تنهایی و انزوا، حتی با اینکه یک مراقب (بیلی کول) داشت. او در جست‌وجوی عشقش بود در پی نیمه گمشده‌اش. او در جست‌وجوی زنی بود که مدت‌ها پیش از دست داده بود و او را در وجود ایمی می‌یافت. این جنبه در فیلم وجود ندارد و من اندکی امیدوار بودم که وجود داشته باشد و سرانجام پس از دو هفته از شروع فیلمبرداری درآمدم و گفتم «آن صحنه دیسکو، می‌توانیم یک باری بهش بدهیم؟ چرا من باید مثل یک مامور آتش‌نشان به او حمله کنم؟ واقعا چرا؟ بعدش آتش‌نشان خون‌آشامه؟ آیا من نمی‌توانم از پس این لعنتی بر بیایم؟» بنابراین من به سراغش رفتم چون می‌خواستم اندکی از قدرت بیشتری برخوردار باشم و من همان شدم، فقط باید درگیرش می‌شدم.

یکی از ویژگی‌های مثبت درباره فیلم اصلی این بود که در آن به طرزی فوق‌العاده و اکید به اسطوره خون‌آشام کلاسیک توجه شده بود. او در یک تابوت می‌خوابد، فقط شب‌ها می‌تواند بیرون بیاید، از قدرت تسلط بر زنان برخوردار است، بدون دعوت شدن نمی‌تواند وارد خانه‌ای بشود. آیا شما نیز در این فیلم چنین چیزهایی را مدنظر داشتید؟

گیلپسی: آره. فکر می‌کنم طی چند سال گذشته به شکل کاملا مشهودی این قواعد را دستکاری کرده‌اند، بنابراین واقعا می‌خواستم نسبت به چنان چیزهایی که در ایده اصلی دراکولا و خون‌آشامان وجود دارد، وفادار بمانم؛ آنها نمی‌توانند نور خورشید را به چشم ببینند، صلیب‌ها تنها وقتی کارسازند که شما مذهبی، با ایمان و به مفاهیمی مانند اینها اعتقاد داشته باشید. و این چیزها در نسخه اصلی داستان وجود داشتند، بنابراین ویژگی‌هایی که ذکر کردید را رعایت کردم. ویژگی کاملا بارزتر این بود که شماها دعوت شدید تا واقعیت خون‌آشام کلاسیک را مشاهده کنید. فکر می‌کنم بازگشت به آن میراث و ایده لذت‌بخش نیز باشد، اینکه هیولایی ببینید که از همان بار معنایی اصلی دراکولا برخوردار است.

همچنین می‌توانید واقعا احساس کنید که آن بازی موش و گربه هنوز نیز در اینجا وجود دارد، که یکی دیگر از دلایل اهمیت آن فیلم اصلی بود.

گیلسپی: فکر می‌کنم شگفت‌انگیزترین ویژگی فیلمنامه مارتی [ناکسون] همین موش و گربه‌بازی خارق‌العاده در فیلم و چگونگی اجرای آن و یک تعلیق باورنکردنی همراه با آن است. وقتی او آن خانه را می‌ترکاند، همه خلع‌سلاح می‌شوند [می‌خندد]. فقط نیمی از فیلم، گذشته و آخرین چیزی که می‌توان انتظار داشت این است که یک درگیری رخ بدهد که بعد آنان عقب‌نشینی وتجدید قوا کنند و بازگردند و چیزی که در فیلمنامه مارتی دوست دارم، از یک منظر، منطق آن است چون آن یارو، کله نترسی دارد و چیزی برای از دست دادن ندارد. او می‌تواند به سادگی در انتهای روز ناپدید بشود. او را پیدا می‌کنند، مخفیگاهش را می‌ترکانند، در نتیجه او احتمالا می‌رود تا شب برگردد و آن آدم‌های لعنتی رابکشد [می‌خندد].

فارل: او به پاسپورت احتیاجی ندارد، احتیاجی به بستن باروبنه‌اش ندارد. او می‌تواند هر جایی برود. هیچ‌گونه محدودیتی در زندگی ندارد. باید برای خودم توجیه می‌کردم که یک لحظه وایسا. اون خانه لعنتی را به آتش کشیده و سوار اتومبیل شده، آیا داستان همون داستان فیلم پسران بد است؟ [می‌خندد] و نبود، مساله این بود که او واقعا خسته شده بود! حس قدرتش، حس قدرت متعالی‌اش چنان چیزی ژرف و سالیان مدیدی در دسترسی بوده که او را از هر گونه تهدیدی از جانب آن جامعه بشری و مهلک ایمن نگه داشته است. او به نوعی خسته است و روحیه‌اش را حفظ کرده. فکر می‌کنم رساترین شیوه بیان این نکته این‌گونه باشد که چارلی به خصمی ارزشمند تبدیل می‌شود. جری هنوز هم فشار تهدید را حس نمی‌کند، فیلم از همین موانع دایمی تشکیل شده است.

گیلسپی: یک تغییر مسیر جالب برای اوست. یکنواختی صدها سال هستی...

فارل: و جری خون‌آشامی از جنس آن خون‌آشام براد پیت نیست [در فیلم «مصاحبه با خون‌آشام»] که با موش‌های صحرایی، خودش را سیر کند و بعد در لحظه‌ای که کاملا ضعف ناشی از کمبود خون بر او غلبه کرده است از یک کودک تغذیه کند. جری آنچنان قبراق است و آنچنان نسبت به کیستی و چیستی و جایگاه خود در چرخه تکامل اشراف دارد که فقط مساله تعقیب و گریز برایش اهمیت دارد و بس. اگر کسی در نزد او دراز بکشد و گردن خود را به او پیشکش کند، از او بدش خواهد آمد. او محتاج است که ترس و مقاومت را احساس کند. بنابراین از آن منظر او احتمالا چارلی را در انتها نجات می‌دهد. گمان نمی‌کنم که تنش اصلی این باشد اما هر چه چارلی بیشتر و بیشتر مقاومت می‌کند نگاه او بیشتر و بیشتر به آن مساله جلب می‌شود.

در ادامه ساخت فیلم‌های بازسازی‌شده، شما قرار است به زودی به بازسازی فیلم «یادآوری کامل» بپردازید. آیا رویکرد شما در آن پروژه مانند همین رویکردتان در فیلم «شب وحشت» است؟

کالین فارل: «یادآوری کامل» نیز چیز دیگری است که دوست دارم. (پل) ورهوفن (کارگردان «یادآوری کامل») بسیار زیرک و استاد است. من عاشق آن فیلم نیز شدم و تمام چیزهای این‌چنینی که باعث می‌شوند با شگفتی بگویید «ها!» من واقعا فیلمنامه آن را دوست داشتم، با لِن [وایزمن] ملاقات کردم، شمه‌ای از کارهای هنری که او قرار است با آن دنیا انجام بدهد را دیدم و خارق‌العاده بود! منظورم این است که چه کسی می‌داند فیلم از لحظه شکل‌گیری ایده تا تحقق کامل آن چگونه خواهد بود، بنابراین عوامل بسیاری در این فراشد، دخیل هستند. شما همیشه با امید و انتظار به سراغ یک پروژه می‌روید. من دقیقا تا آنجا که قضیه خلق آن دنیا مطرح باشد، می‌دانم که او قرار است چه کاری انجام بدهد و معرکه است. می‌توان روی آثار ادبی که همین داستان مشابه را دستمایه قرار داده‌اند، کار کرد. من چیزهایی درباره داستان کوتاه اصلی خواندم. نه نیست! داستان کوتاه اصلی از کافکاست، منظورم همان داستان فیلیپ ک.دیک است، اما آنچنان سیاه و آکنده از گونه‌ای حس فراگیر قدرت و فساد بود که در مورد دنیای کنونی ما نیز مصداق پیدا می‌کند اما تقریبا به سیاهی اثر اصلی نیست. اما دستمایه خوبی است. بنابراین قصد دارم طی چند هفته آتی آن را شروع کنم.

منبع: CinemaBlend

تازه چه خبر دکتر جون؟

رنجر تنها از حرکت بازماند

■ فیلم «رنجر تنها»، پروژه عظیم وسترن با بازی جانی دپ که گفته می‌شد قرار است بیش از ۲۵۰ میلیون دلار هزینه بردارد، احتمالا هرگز ساخته نخواهد شد. شرکت دیزنی در ماه‌های گذشته اعلام کرده بود که این پروژه را با حضور جانی دپ در صدر فهرست بازیگرانش در کنار تام ویلکینسن، هلنا بونهم کارتر و آرمی همر می‌سازد و گور وربینسکی سازنده «دزدان دریایی کاراییب» در مقام کارگردان و جری بروکهایمر تهیه‌کننده فیلم خواهند بود. اما به گزارش ددلاین، دیزنی به علت نگرانی در مورد تامین بودجه، قصد ساختنش را ندارد. در واقع علت اصلی، شکست بزرگ وسترن «گاوچران‌ها و بیگانه‌ها» در گیشه چند هفته اخیر بود که در مجموع بیش از ۲۰۰ میلیون دلار هزینه برداشته اما با وجود بازیگرانی مثل هریسن فورد و دنیل کریگ هنوز نتوانسته صد میلیون دلار بازگرداند. «رنجر تنها» یک کابوی نقابدار است که در برنامه‌های رادیویی دهه ۱۹۳۰ آمریکا پدید آمد و بعدا به سریال‌های تلویزیونی رفت و در فرهنگ عامه آمریکاییان ماندگار شد.

یک گلوله تام کروز

■ کریستور مک کواری که بیشتر به عنوان فیلمنامه‌نویس آثاری مانند «والکوری»، «توریست» و «ماموریت غیرممکن: پروتکل شبح» شهرت دارد، مشغول پیش‌تولید دومین فیلم خود در مقام کارگردان است این فیلم که حضور تام کروز به عنوان بازیگر نقش اول آن قطعی شده است، «یک گلوله» نام دارد و فیلمنامه‌اش را مک کواری همراه با مارک اولسن بر اساس کتابی به قلم لی چایلدز نوشته است. کروز در این فیلم نقش یک بازرس جنایی را دارد که درگیر پرونده یک تک تیرانداز ارتش آمریکا می‌شود که قربانیانش را به صورت تصادفی از میان مردم عادی انتخاب می‌کند. به گزارش هالیوود ریپورتر مک کواری و تام کروز در حال حاضر برای انتخاب بازیگر نقش یک زن وکیل مقتدر که به کمک شخصیت کروز در این داستان می‌آید، سه گزینه را در نظر دارند: هیلی آتول بازیگر انگلیسی «کاپیتان آمریکا»، رزاموند پایک بازیگر انگلیسی «نسخه بارنی» و «ساخت دگنهام» یا آلکسا داوالوس بازیگر فرانسوی «نبرد تایتان‌ها».

جدول ۱۳۰۲

افقی:
۱- از توابع کرج - از نام‌های پیامبر اسلام (ص) - عدد منفی ۲- ۱۰ هزار متر مربع - آغاز شده - زاییدن ۳- ویرایش - مسابقه اتومبیل رانی - خدای تجارت و سفر یونان باستان ۴- شیوه و شگرد - با هم سخن گفتن - روز آینده ۵- قلعه حکومتی - روزنامه‌نگار و مفسر مشهور مصر - بلند آوازه ۶- قاضی اموات هندوها - طلای سفید - پیروزی ورزشی ۷- پارچه‌ای گرانبها - هم قدم - دهن کجی ۸- فرق سر - سقف فرو ریخته ۹- درک - دزدیدن - امتداد یافته ۱۰- آفرینش - بهبود یافتن زخم - گرگ ۱۱- مخلوط قیر و ماسه - کسی که برای خدا شریک قرار دهد - رفتن ۱۲- رمان معروف ژوزه ساراماگو - مخصوص چیزی یا کسی بودن - تذکره ۱۳- نغمه خوانی - دوستی - میزان سنجش طلا ۱۴- قطعه الکترونیکی - مقابل پیری - دارایی‌ها ۱۵- یک ورق کاغذ - لقبی برای بانوان - ذره با بار منفی

عمودی:
۱-رودی در نزدیکی اهر - سرشماری کردن - حرکتی در فوتبال ۲- از مبطلات نماز - آرزو - زبان برهمنان هند ۳- از حروف یونانی - فدای کیفیت - باعث تب می‌شود ۴- ویران‌کننده - مقابل ویران - بهشت شداد ۵- تخت و سریر - فرستاده شده - رختخواب ۶- ماشین نویسی - شامی - پول کره ۷- نفس - پرنده‌ای با پاهای بلند - صنم - دردها ۸- فاش شده - نام کوچک وکیل‌الرعایا سر سلسله زندیه ۹- آینده - انتها - از مراحل زراعت - حرف انتخاب ۱۰- گمان - نصف آجر - جواهر نشان ۱۱- ضمیر جمع - نوعی هواپیمای جنگی - قایق مسابقه‌ای ۱۲- حجم فرعونی - ویرگول - خاموش ۱۳- صفرا - اصلاح عکس - شهر صنعتی آلمان ۱۴- اشتهار - نگریستن - ضمیر غائب ۱۵- فرمان سکوت - در شعر همراه قافیه می‌آید - تبعیدگاه ناپلئون

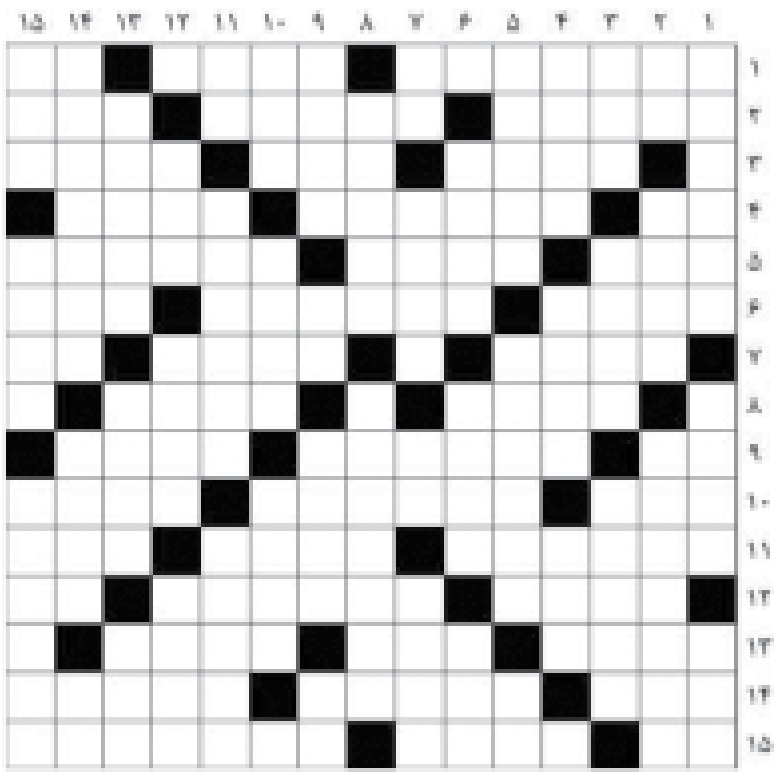

حل جدول ۱۳۰۱

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	م	ت	ا	ف	ی	ز	ی	ک	■	ف	ا	ر	س	ا	ن
۲	ر	ت	ی	ل	■	ا	و	ی	خ	ت	ه	■	ی	ر	ا
۳	ت	ا	ر	م	ی	■	ش	ا	ل	ی	■	ت	ا	ز	ی
۴	ب	ر	■	ی	و	غ	■	ت	ا	■	ت	و	ر	ا	ت
۵	ه	■	خ	ن	ز	ی	ر	■	ف	ا	ش	ر	■	ن	■
۶	س	و	گ	■	ا	س	ف	■	ا	ت	ی	ه	■	ل	
۷	ا	ر	د	■	ا	ب	ی	ا	ت	■	ت	س	ا	و	ی
۸	د	ا	ك	ا	■	ی	د	ك	ك	ش	■	ت	م	ر	د
۹	م	ب	ا	ن	ی	■	ه	ن	ا	ی	ش	■	س	د	ر
۱۰	ی	■	ر	د	و	د	■	ر	م	ل	■	م	و	ی	■
۱۱	■	ا	■	ر	ا	و	ر	■	ل	ا	ت	ی	ن	■	ا
۱۲	م	س	ك	ی	ن	■	ا	ل	■	ت	خ	ت	■	ج	ی
۱۳	ق	ا	ر	ج	■	م	ع	ا	د	■	م	ر	ه	و	ن
۱۴	ن	ه	ی	■	پ	ر	ی	ز	ا	د	■	ا	و	ا	ه
۱۵	ن	ی	م	خ	ی	ز	■	م	و	ن	ا	ل	ی	ز	ا

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

سودوکو ۳۰۵

			۲		۸		۴	
۱		۲		۹				
۶						۹	۵	۲
۳						۷		۵
		۶			۳		۱	
۴					۷			
		۱		۶		۵	۸	
۲				۱		۳	۹	
۸		۷	۳	۴				

قانون‌های حل جدول سودوکو:
۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.
۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

حل سودوکو ۳۰۴

۶	۵	۲	۳	۸	۱	۴	۷	۹
۱	۷	۸	۹	۲	۴	۵	۶	۳
۴	۳	۹	۶	۷	۵	۱	۲	۸
۳	۱	۶	۵	۹	۸	۷	۴	۲
۲	۸	۴	۷	۳	۶	۹	۱	۵
۷	۹	۵	۱	۴	۲	۳	۸	۶
۵	۲	۷	۴	۶	۳	۸	۹	۱
۸	۴	۱	۲	۵	۹	۶	۳	۷
۹	۶	۳	۸	۱	۷	۲	۵	۴